

واکاوی تأثیر نظریه انتظار در کارکرد جریان‌های سیاسی در جامعه مطلوب اسلامی

عیسی مولوی وردنجانی^{*۱}

حسین ارچینی^۲

چکیده

هدف: رفتار جریان‌های سیاسی به‌عنوان عامل هنجارسازی و بی‌هنجاری در جامعه، همواره مورد دغدغه اندیشمندان بوده است. محققان برای ایجاد کنشی مطلوب در جریان‌های سیاسی به نظرات مختلفی معتقد گشته‌اند؛ اما تشتت در نظریات، دلیلی بر ناکارآمدی آنها در همسان‌سازی رفتار جریان‌های سیاسی با نظام اجتماعی می‌باشد. مسلماً برآیند فکری جریان‌های سیاسی در رفتار آنها متبلور می‌گردد. بدین سبب ساخت فکری جریان‌های سیاسی بر مناسبات همسو با جامعه سیاسی جهت بروز رفتار سیاسی مطلوب از اهمیت بالایی برخوردار است. اندیشه انتظار به‌عنوان راهبردی در مطلوب‌سازی کنش جریان‌های سیاسی، ظرفیت سازمان‌دهی فکری جریان‌های سیاسی را برای ایجاد یک جامعه مطلوب اسلامی دارد؛ بنابراین هدف تحقیق پیش‌رو، واکاوی تأثیر نظریه انتظار در کارکرد جریان‌های سیاسی برای ایجاد یک جامعه مطلوب اسلامی است.

روش‌شناسی پژوهش: این مقاله با بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای و نگرشی توصیفی - تحلیلی به تأثیر نظریه انتظار در کارکرد جریان‌های سیاسی در ایجاد جامعه مطلوب اسلامی می‌پردازد.

یافته‌ها: این پژوهش، با ابتدای بر چارچوب نظری برگرفته از نگرش سه لایه‌ای حضرت امام به انسان (بینش، گرایش، کنش) به این مسئله دست یافت که فرهنگ انتظار می‌تواند در ابعاد بینشی (مبانی فکری)، گرایشی و ارزشی (اخلاق)، و کنشی (رفتار) جریان‌های سیاسی را ساماندهی نماید.

نتیجه‌گیری: مقوله انتظار در بعد نرم‌افزاری (بینش و گرایش) به ارائه انسجام فکری، تعهد به مؤلفه‌های اخلاقی در عمل سیاسی، انگیزه‌های سیاسی مطلوب، امید اجتماعی و ایجاد روحیه صبر و استقامت و در بُعد سخت‌افزاری (کنش) به کنترل اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، تعامل با نظام سیاسی، همبستگی اجتماعی، مشارکت سیاسی مطلوب و ثبات سیاسی در نظام اجتماعی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: نظریه انتظار، نظام سیاسی، جریان‌های سیاسی، جامعه اسلامی، اندیشه سیاسی.

Email: molavi131@gmail.com

۱- دکترای گرایش انقلاب اسلامی و مدرس گروه معارف

اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Email: arjini@maaref.ac.ir

۲- استادیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

مقدمه

با احیای نظام سیاسی تشیع از سوی حضرت امام، منتهجی برای ارائه مدل حاکمیتی تفکر سیاسی، مبتنی بر اندیشه اسلامی ایجاد گردید و مسئله انتظار به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین اندیشه تشیع و به‌مثابه منشوری که معضلات سیاسی - اجتماعی را التیام می‌بخشد؛ در این تحقیق مورد اهمیت قرار گرفت و در هدفی کلی، کارکردهای فرهنگ انتظار در این نظام سیاسی مطرح می‌شود؛ چراکه نباید فرهنگ انتظار را فارغ از کارکردهای اجتماعی آن فرض نمود. افزون بر تمامی تحولاتی که مسئله انتظار در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... دارد در حوزه بینش و کنش سیاسی حاکم بر جامعه سیاسی نیز اثربخش می‌باشد.

بی‌تردید از جمله کنشگران عرصه سیاست، جریان‌های سیاسی هستند؛ اما از آنجایی که پرداختن به تمامی ابعاد اثربخشی مؤلفه انتظار بر جریان‌های سیاسی، نیازمند تحقیقی گسترده‌تر از یک مقاله است. تنها در این پژوهش به جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا پرداخته می‌شود. بدین سبب، این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و همچنین تکیه بر مستندات عقلی و برخوردار از تکنیک کتابخانه‌ای، درصدد بررسی تأثیر مقوله انتظار در کارکرد جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در جامعه اسلامی می‌باشد؛ زیرا جریان‌های سیاسی به‌عنوان واحدهای سیاسی جامعه در نظم‌دهی و ایجاد ثبوت و ناهنجاری‌های سیاسی از نقش معتاب‌هی برخوردار هستند. از سوی دیگر کنش‌های متقابل در میان جریان‌های سیاسی، در حقیقت منتج از اندیشه‌های حاکم بر نظام فکری آنها است. به همین خاطر رفتار سیاسی آنها جلوه‌گاهی از جهان‌بینی جریان‌ها خواهد بود. به این خاطر چگونگی زیست اجتماعی آنها در ابعاد بینش، گرایش و کنش، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار دارد.

به این دلیل می‌توان بیان داشت گفتمان انتظار به دلیل برخوردار از نظام فکری مستحکم و مکانیسم پیچیده‌ی کارآمد، توانایی سامان‌بخشی به نظم سیاسی جامعه را دارا می‌باشد و در چارچوبی بی‌بدیل قادر است کنش واحدهای سیاسی جامعه را به‌سازی نماید و در نتیجه جامعه را از انسداد بینشی، ارزشی و کنشی همسو با نظام سیاسی برهاند.

در واقع از جمله دغدغه‌های جامعه‌شناسان، پاسخ به این پرسش است که نظم اجتماعی با توجه به مسئله جریان‌های سیاسی چگونه سامان می‌یابد. برخی در پاسخ به این سؤال بر رهبری فرهنگ‌دانه تأکید ورزیده‌اند و معتقد گشته‌اند تاریخ جهان، مشحون رهبرانی است که قدرت خارق‌العاده‌ای در تغییر و تحول باورها و ارزش‌های جامعه پیرامونی خود دارند. افرادی که دارای چنین رفتار و منشی هستند به‌عنوان رهبران کاریزماتیک شناخته می‌شوند. غالب این گونه از رهبران، توجه خود را معطوف افزایش تمایل جامعه در کنترل و مهار رفتارهای خود می‌کنند. رهبری کاریزما، تسلط، اتکابه‌نفس، نیاز به کنترل و اعتقاد به درست‌کاری اخلاقی را برای واحدهای سیاسی جامعه جهت کنترل رفتاری آنها به کار می‌برد (Shamir, 1993: 398).

برخی در پاسخ به این پرسش بر نظریه مبادله اجتماعی اهتمام ورزیده‌اند. این دیدگاه توسط هومنز^۱ ترویج یافت. وی مدعی گردید انسان با عهده‌گیری (۱) یادگیری ارزش‌ها و هنجارها در مواجهه با محیط و (۲) انطباق یافتن افراد و گروه‌هایی که ارزش‌ها را آموخته با محیط، می‌توان رفتار انسانی را کنترل کرد و به‌نوعی مهندسی روان‌شناختی بر رفتار انسان‌ها داشت (ر.ک: تنهایی، ۲۰۰۸).

برخی دیگر از اندیشمندان بر نظریه کارکردگرایی ساختاری تمسک داشته‌اند. این نظریه از بُعدی بر پیامدها و کارکرد پدیده‌های اجتماعی نظر دارد و از بُعدی دیگر، پایداری رابطه عناصر جامعه با کل نظام اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. این دیدگاه برای بقای نظام اجتماعی، وظایفی را در نظر گرفته که تمام نهادهای اجتماعی برای حیات سیاسی و اجتماعی خویش به‌نوعی می‌کوشند جامعه را زنده نگه دارند؛ بنابراین، این نظریه مبتنی بر یک تعادل حیاتی قرار دارد. برای تبیین این نظریه، تمثیل بدن انسان را می‌زنند که هر عضو برای بقای خویش باید به حیات این جسم همت نماید (Giddens & Turner, 1993: 122-127).

برخی حتی بر نظریه استبدادگرایی سوق یافته‌اند و معتقد گشته‌اند؛ برای شکل‌گیری نظم در جامعه چاره‌ای جز تحکم و اعمال قدرت و سلب آزادی از جریان‌های سیاسی نیست.

اما با تأمل در نگرش‌های مختلف جامعه‌شناسان، در می‌یابیم فرهنگ انتظار افزون بر دارا بودن ظرفیت نظم‌بخشی به جامعه، در چارچوب نظریه‌هایی که بنیان و زیرساخت‌های آنها را اندیشه‌های مادی‌گرایانه تشکیل داده است؛ نمی‌گنجد. بدین سبب قالب این تحقیق را بر متدی که حضرت امام در ابعاد مختلف به‌کار گرفته است؛ پی می‌گیریم. ایشان انسان را دارای سه بُعد دانسته است؛ غیبی و روحی، برزخی و خیالی، شهودی و دنیوی (امام خمینی، ۱۹۹۸: ۳۸۶).

بر مبنای این چارچوب مقوله انتظار در کارکرد جریان‌های سیاسی در سه بُعد بینشی و اعتقادی، گرایش و ارزشی و عملکردی و رفتاری، تأثیرگذار خواهد بود. البته می‌توان این‌ها را در دو بُعد «نرم‌افزاری» و «سخت‌افزاری» نیز قرار داد. حوزه نرم‌افزاری شامل تأثیرات فرهنگ انتظار بر بینش‌ها و گرایش‌ها می‌گردد و حوزه سخت‌افزار ناظر بر لایه سوم و بُعد کنش‌ها می‌شود.

پژوهندگان حوزه مهدویت ابعاد مختلفی از فرهنگ انتظار را مورد مطالعه قرار داده‌اند. از فلسفه فرهنگ انتظار تا کارکرد این نظریه در ساخت جامعه مطلوب اسلامی می‌توانند پیش‌زمینه‌هایی برای این تحقیق قرار گیرند؛ اما از جمله تحقیقاتی که به‌نوعی ارتباط موضوعی با این مسئله دارد؛ می‌توان به «شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» اشاره داشت. نویسنده در این تحقیق وحدت کلمه، ولایت‌مداری و نفی طاغوت، تمام‌خواهی و کمال‌طلبی، تحول‌خواهی و انقلابی‌گری، امید و اعتماد به وعده الهی، عدالت و مبارزه با ظلم را با تتبع در بیانات رهبری به‌عنوان شاخصه‌های سیاسی جامعه منتظر مورد کاوش قرار داده است. تحقیقی دیگر «ویژگی‌های اجتماعی جامعه منتظر از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» را مورد پژوهش قرار داده است. نویسنده در این پژوهش معتقد است از منظر رهبری، فرد منتظر می‌بایست از سویی

1. Homans (1910-1989)

در زیست اجتماعی خود مشتمل بر ویژگی‌هایی مانند ایمان به عقیده، صداقت، ایثار، مجاهدت، مهرورزی و پرهیز از کینه‌توزی باشد و از سوی دیگر کلیت جامعه باید در مسیر حق‌مداری، التزام عملی به سیره معصومان، باور جمعی به مهدویت، انتظار و آمادگی برای ظهور، تلاش جهت ایجاد عدالت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، پیوند امت و رهبری، تربیت معنوی و اخلاقی خانوادگی و اجتماعی، رعایت کرامت انسانی و مساوات در برابر قانون قرار گیرد. تحقیق دیگر «کارکرد آموزه انتظار در کنترل اجتماعی» است. نویسنده مدعی است فرهنگ انتظار با مکانیسم درونی، مبنی بر احساس حضور امام و مکانیسم بیرونی، مبتنی بر جامعه‌پذیری و نظارت اجتماعی، توان کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی را دارد. در پژوهش دیگر «جنبش سیاسی بایبه و آموزه‌های مهدویت (اهداف، راه‌کارها و پیامدها)» مورد مطالعه قرار گرفته است که نویسنده آموزه مهدویت را در مواجهه با دو جریان سیاسی، برخوردار از ظرفیتی می‌داند که می‌تواند راهبردی جهت برون‌رفت جامعه سیاسی از حربه‌ها و پیامدهای جریان‌های انحرافی باشد. در تحقیق «نگاهی به پدیده انتظار و آثار حیات‌بخش آن» مؤلف بر این باور است که اندیشه مهدویت باعث حیات اجتماعی و شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی می‌گردد و این برجستگی اندیشه تشیع، نسبت به دیگر اندیشه‌ها را نشان می‌دهد. اثر دیگر «نقش انتظار فرج در انسجام اسلامی گروه‌های سیاسی - اجتماعی و وظایف دولت زمینه‌ساز» است. در این مقاله نویسنده در دو بخش به مطالعه پرداخته است. در بخشی مسئولیت دولت زمینه‌ساز ظهور را مورد مطالعه قرار داده و در بخش دیگر رابطه متقابل گروه‌های سیاسی و دولت در زمینه‌سازی ظهور منجی بشریت را با تأکید بر مؤلفه انسجام اسلامی، به پژوهش پرداخته است. در حالی که تحقیق حاضر تأثیر مقوله انتظار در کارکرد جریان‌های سیاسی در ایجاد جامعه مطلوب اسلامی را در چارچوب نظری منتج از منظومه فکری امام خمینی(ره)، مورد پژوهش قرار داده است؛ که این مسئله نوآوری تحقیق حاضر قلمداد می‌شود.

مفهوم شناسی

الف) نظریه انتظار: واژه انتظار در میان علمای اهل لغت به معنای چشم‌به‌راه بودن، درنگ در امور و نوعی امید داشتن به آینده دانسته شده است (مصطفوی، ۲۰۰۹، ج ۱۲: ۱۶۶)؛ و در اصطلاح حالتی روحی در انسان است که سبب آمادگی چیزی می‌گردد که به خاطرش انتظار می‌کشند. رابطه میان انتظار و آمادگی رابطه متساوی است؛ یعنی به هر میزان انتظار شدید باشد آمادگی نیز بیشتر می‌گردد (موسوی اصفهانی، ۲۰۰۱، ج ۲: ۲۳۵). با تأمل در این مفهوم مشخص می‌شود این واژه، افزون بر توصیه دینی، اصلی فطری به‌شمار می‌رود که با سرشت انسان عجین گشته و لازمه حیات بشریت انگاشته شده است؛ زیرا روح «امید» را در کالبد بی‌جان جامعه گرفتار تلاطمات نفسانی، برای دست‌یابی به جامعه مطلوب دینی می‌دمد و جانی تازه به جامعه می‌بخشد؛ بنابراین مقصود از دوران انتظار، عصر امیدواری و تکاپو جهت تشکیل دولت منجی عالم است که مسلمانان جهت زمینه‌سازی آن حکومت، به خودسازی و تعالی اجتماعی می‌پردازند. بدین سبب در

ساحت نظری مسئله انتظار بحث از حکومتی مطلوب است که در صدد تغییر وضعیت موجود برای عینیت دادن به آرمان‌ها تلقی می‌شود.

مذهب تشیع در طول تاریخ با تکیه بر اندیشه «امامت» توانسته شکوهمندانه حیات سیاسی خویش را طی نماید و همواره در تحقق عدالت به تکاپو برخیزد. این مهم با آموزه انتظار خدشه‌دار نمی‌گردد. هر چند با استناد به روایاتی همچون «عن ابی‌عبدالله (ع) انه قال: كُفُوا السَّنَتَكُمْ وَ الزُّمُوا بِيُوتَكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تَخْصُونَ بِهِ أبدأً وَ لَا يُصِيبُ الْعَامَّةَ وَ لَا تَزَالُ الزِّيْدِيَّةُ وَقَاءً لَكُمْ أبدأً»^۱ (نعمانی، ۲۰۱۱: ۲۸). برخی جریان‌ها بر این موضوع اصرار می‌ورزند که در تحقق عدالت اسلامی، هیچ عمل سیاسی نباید صورت گیرد. این جریان‌های سیاسی با چنین رویکردی، محصور «انتظاری خاموش» گشته‌اند. این طیف از گروه‌های سیاسی به شدت بر این امر اصرار می‌ورزند که مسئله ظهور با اراده الهی عجین گشته و عامل انسانی در آن نقش به‌سزایی ندارد (ر.ک: مطهری، ۲۰۲۰: ۴۸). از سوی دیگر جریان‌هایی بر این مقوله تأکید می‌ورزیدند که تا ظلم و جور به منتهی درجه خود نرسد؛ ظهور وقوع پیدا نمی‌کند؛ بنابراین از جمله کارویژه‌های خویش را گسترش فساد و گناه قرار داده‌اند (طاهری، ۲۰۰۱: ۲۰۵-۲۰۶). امام خمینی (ره) در طیف‌بندی گروه‌های معتقد به مسئله انتظار می‌فرماید:

«بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام‌الله‌علیه - را از خدا بخواهند... یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند. این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند انشاء‌الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. این‌ها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند. یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید... گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود... البته در بین این دسته، منحرف‌هایی هم بودند، اشخاص ساده‌لوح هم بودند، منحرف‌هایی هم بودند که برای مقاصد به این دامن می‌زنند. یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است. آنها مغرور بودند» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۲۱: ۱۳-۱۴).

ب) جریان سیاسی: واژه جریان به لحاظ لغت‌شناسی به معنای مجموعه‌ای از اعمال، رویدادها و اندیشه‌ها است که در جهت رسیدن به هدفی خاص، به کار گرفته می‌شود (دهخدا، ۲۰۰۶: ۸۶۹). همچنان که به معنای رفتن آب، روان شدن، به حرکت درآمدن و به تموج درآمدن، مورد استفاده قرار گرفته است (عمید، ۲۰۰۰، ج ۱: ۸۱۱). در واقع جریان، حالتی است که در آن نیروهای اجتماعی در خصوص یک فکر یا ایدئولوژی

۱. زبان‌های خود را نگاه دارید و از خانه‌های خود بیرون نیایید زیرا آنچه به شما اختصاص دارد (منظور خلافت و دولت حق است) به این زودی به شما نمی‌رسد و به سایرین هم نخواهد رسید و پیوسته فرقه‌ی «زیدیه» جلودار شما هستند.

بسیج می‌شوند و آن فکر در جامعه هوادار می‌یابد. به عبارتی، جریان یعنی تفکراتی که در عرصه اجتماع وارد و اجتماعی شده‌اند (خواجه سروی و شاری، ۲۰۱۴: ۲۰۰).

مراد از جریان، وقتی در نسبت با سیاست سنجیده می‌شود؛ به فعالیت گروهی و هدایت‌شده‌ای گفته می‌شود که دارای حرکت باشد. در حقیقت جریان، به اندیشه و تفکری که جنبه اجتماعی پیدا کند می‌گویند. بر این اساس می‌توان گفت که جامعه بستر زایش، شکوفایی و اضمحلال جریان‌ها است (خرمشاد و سرپرست سادات، ۲۰۱۳: ۶۴).

در منظومه فکری اسلام معیارهای مطلوب جریان و حزب سیاسی آن‌گونه که حضرت امام بیان می‌کنند مشتمل «برخورداری از یک رهبری صد در صد مورد اعتماد و امین، داشتن شعارها و آرمان‌هایی که کاملاً تجسم دهنده خواسته‌های عموم مردم باشد، از معیارهای ضروری و اولیه است... نداشتن سوابق مشکوک و شناختن درست هویت جامعه ایرانی و آرمان‌های اساسی آنها در ابعاد مادی و معنوی، تقوی و صداقت و درستی در عمل، قدرت رهبری و اداره امور و استقامت در مبارزه برای عقیده، شرایط اساسی برای هدایت مردم است» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۴: ۴۳۵).

با ابتنای بر این معیارها در تعریف جریان سیاسی، می‌توان گفت جریان سیاسی، به حرکتی سیاسی که از پویایی و بالندگی برخوردار است و با بهره‌گیری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری و درونی با مدیریت رهبران خود بر نظام سیاسی و نیز اقشار مختلف جامعه تأثیرگذار است و به‌عنوان پدیده‌ای که از یک دوره معین آغاز شده، عینیت یافته و در دوره مشخصی استمرار داشته (احمدی حاجیکلائی، ۲۰۱۰: ۳۵)؛ و در بستر جامعه کارویژه‌هایی اعم از جبهه، حزب، سازمان یا نهاد و گروه مخصوص خود را ایجاد می‌کند، می‌گویند (دارابی، ۲۰۱۱: ۲۷). بر اساس این تعریف، اندیشه نظام‌مند و برجسته یک شخصیت سیاسی که در قالب یک تشکل سیاسی و اجتماعی ترسیم نگشته است، به‌عنوان جریان شناخته نمی‌شود (خسروپناه، ۲۰۰۹: ۹).

آنچه در این تحقیق از جریان‌های سیاسی مقصود است؛ جریانی است که با اعتقاد بر زیرساخت‌های فکری نظام سیاسی در چارچوب سیاست‌های حکومت در گسترش عدالت و شکل‌دهی نظم مطلوب اسلامی به فعالیت می‌پردازد. در این معنا، جریان‌های سیاسی جامعه، به‌عنوان کنشگران عرصه سیاست برای عمل سیاسی، نیازمند چارچوب و چشم‌اندازی برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های عدالت‌گرا هستند که با ابتنای بر نظریه انتظار می‌توان گفت این مهم تحقق می‌یابد. در واقع گفتمان انتظار به‌عنوان فلسفه سیاسی این جریان‌ها لحاظ می‌گردد و منجر می‌شود در راستای این اندیشه، نوعی انسجام سیاسی در بستر جامعه تحقق یابد که از سویی مفری جهت برون‌رفت از آثارشیم اجتماعی خواهد بود و از سوی دیگر سبب می‌شود جریان‌های سیاسی در حوزه فکری از فلسفه‌های عاریتی‌رهایی یابند؛ زیرا اندیشه‌های عاریتی با نظام دانایی جامعه اسلامی نامأنوس هستند؛ و توانایی انسجام سیاسی و همبستگی اجتماعی را در حوزه عملی ندارند. افزون بر آن که به دلیل تهی بودن از مؤلفه‌های بنیادین معرفت اسلامی، اوصافی چون ایمان راسخ را از

جریان‌های سیاسی دریغ می‌ورزند. بدین سبب به تعبیر مقام معظم رهبری گستره معنایی انتظار، راهبردی جهت فهم دین دانسته می‌شود (بیانات رهبری، ۲۰۱۱/۷/۹).

تأثیر فرهنگ انتظار در حوزه بینش‌ها و گرایش‌های جریان‌های سیاسی (حوزه نرم‌افزاری)

تحقق فرهنگ انتظار در بستر جامعه نیازمند تدارک و آمادگی در همه جهات است. از جمله باورداشت به حق که سبب‌ساز آرامش درونی و یقین قلبی است؛ بنابراین جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا که به دنبال تحقق آرمان‌شهر مهدوی هستند؛ می‌بایست با تمام توان^۱ از رهیافت فرهنگ انتظار بهره‌بردارند و در حوزه‌های مختلف اندیشگی، ارزشی و کنشی به آن تمسک جویند. اندرو هیوود^۲ بر نقش انتظار در عقاید (بینش) و مسائل عاطفی (ارزش‌ها) تأکید می‌کند؛ وی می‌نویسد:

«شیعیان معتقدند از طریق آموزه‌های چهارده معصوم می‌توان از هدایت الهی بهره‌مند شد... شیعیان عقیده دارند که تاریخ اسلام به سمت هدف یک جامعه آرمانی حرکت می‌کند... چنین عقایدی، درباره احیا یا رستگاری قریب‌الوقوع، یک کیفیت موعود باورانه عاطفی را به مذهب شیعه ارزانی داشته است... چشم‌انداز یک رستگاری معنوی، باعث ایجاد مشخصه قوت و توانمندی عاطفی، در این مذهب شده است. هنگامی که چنین حمایت دینی، در برابر یک هدف سیاسی، آماده به‌کار می‌شود؛ موجب یک تعهد و ایثارگری قوی خواهد شد» (هیوود، ۲۰۱۰: ۵۲۴).

بر این اساس آموزه مهدویت و نقش انتظار در کارکرد بینشی و ارزشی جریان‌های سیاسی به‌عنوان تأثیرگذاری در حوزه نرم‌افزاری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱) انسجام فکری در گروه‌های سیاسی و زمینه‌سازی بستر مؤلفه‌های اسلامی

با تأمل در روند فعالیت‌های افراد و جریان‌های سیاسی در جامعه، فرایندی از کنش‌های اجتماعی قابل مشاهده است که می‌تواند جامعه را سمت‌وسو دهند. تردیدی نیست که واحدهای سیاسی در پیشبرد اهداف جامعه مطلوب، مؤثر هستند و می‌توانند به خلق آرمان‌های اجتماعی نظام سیاسی همت‌گمارند. در این راستا آنچه قابل‌اهتمام است؛ اندیشه‌ها و نظرگاه‌های واحدهای فعال سیاسی در جامعه می‌باشد؛ زیرا کنش‌های حاصل در جامعه، برآمده از نظرگاه‌های آنها به‌شمار می‌رود. بدین خاطر، جهت این‌که بتوان پوششی مطلوب از جریان‌های سیاسی را مشاهده نمود؛ می‌بایست نگرش آنها را رشد و ارتقا داد. «احزاب، عقاید مشابه را هماهنگ می‌سازند، اختلاف فردی را کاهش می‌دهند، مسائل با جنبه شخصی را سوهان زده، آن را در چند خانواده بزرگ معنوی مستهلک می‌سازند. این کار بزرگ، سنتز بسیار مهمی است» (دوورژه، ۱۹۷۸: ۳۹۷). جهت این امر، مقوله انتظار در بسترسازی فکری، بسیار مؤثر خواهد بود؛ زیرا شکل‌گیری محیط مطلوب اجتماعی و حیات طیبه مهدوی، برخاسته از بسترسازی فکری گروه‌های فعال سیاسی بر محور دگرترین انتظار خواهد بود. بدین سبب با قرار گرفتن اندیشه انتظار در ارکان نظام دانایی جریان‌های سیاسی، سبب می‌شود افزون بر تقویت عناصر بنیادین اندیشه اسلامی در ایدئولوژی گروه‌ها، عناصر اساسی تفکر اسلامی

۱. وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَعْطَمْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (انفال آیه ۶۰)

در جامعه نضج یابد و به شکوفایی و قدرت سیاسی حکومت تبدیل گردد. در این باره حضرت امام می‌فرمایند: «ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار، قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۲: ۳۷۴).

جهت بهره‌گیری از این قدرت اسلامی می‌بایست به ارتقای سطح بینش واحدهای سیاسی جامعه و پایبندی شدید به باورهای مذهبی آنها پردازیم؛^۱ چرا که لازمه رفتار منتظرانه در گروه‌های سیاسی در این امر نهفته است.

بنابراین جریان‌های سیاسی با همسان‌سازی اندیشه گروه با دکتترین انتظار، سبب می‌گردند پارادایم اندیشگی جامعه، منسجم گردد و اجتماعی عاری از تشتت و عوجاجات فکری شکل گیرد. چرا که از جمله گذرگاه‌های فهم دین، اعتقاد به انتظار به‌شمار می‌رود (بیانات رهبری، ۲۰۱۱/۷/۹).

۲) بروز اخلاق سیاسی در رفتار جریان‌های سیاسی

مسئله بروز رفتار سیاسی گروه‌ها در عرصه سیاست، خواه‌ناخواه بر زیست اجتماعی تأثیرگذار است؛ بنابراین رهایی رفتار جریان‌ها، بدون اتکای بر محوری اثربخش، کاملاً بی‌خردانه تلقی می‌شود. کارآمدی نظریه انتظار در این حوزه نیز مؤثر خواهد بود؛ چرا که با ترسیم قالبی برای ذهنیت منتظر با روایاتی چون «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ، وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ»^۲ (نعمانی، ۲۰۱۸: ۲۰۰) و ساخت «استراتژی سیاسی - اخلاقی» در بُعد کنش‌های رفتاری برای جناح‌ها، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، سبب رخداد کنش‌های اخلاقی در بستر جامعه می‌گردد. در واقع می‌توان گفت نظریه انتظار یک بازخوانی برای «بررسی و تعیین رابطه بین سیاست و جامعه، رابطه بین نهادهای اجتماعی و سیاسی و رابطه بین رفتار اجتماعی و سیاسی» (راش، ۱۹۹۸: ۱۵).

برتراند راسل حیات جامعه سیاسی را نهادینه شدن اخلاق در آن می‌داند. «بدون اخلاق اجتماعی، اجتماعات نابود می‌گردند و بدون اخلاق فردی، بقای جامعه ارزشی ندارد، بنابراین بقای یک دنیای خوب، اخلاق اجتماعی و فردی متساویاً لازم‌اند» (به نقل از: کاظمی، ۱۹۹۷: ۱۷). بنابراین نظریه انتظار در ساماندهی برای هنجارسازی رفتاری در میان احزاب و گروه‌های سیاسی جهت از بین بردن فترت اخلاقی ایجاد شده از منش و منافع حزبی، کارایی لازم را دارد و می‌تواند جامعه‌ای پویا و سرشار از مؤلفه‌هایی اخلاقی را ایجاد کند.

۳) ایجاد انگیزه

مسئله نوع رفتار سیاسی جریان‌ها در جامعه را انگیزه‌ها مشخص می‌سازند. اندیشمندان انگیزش را به‌عنوان فرایندی که باعث برانگیختگی، هدایت و احیای رفتار می‌شود؛ تعریف کرده‌اند (Ball, 1977: 2).

۱. زیرا باور منتظران و معرفتی قلبی آن‌ها همچون پاره‌های آهن سخت است. قُلُوبُهُمْ كَزَبْرِ الْحَدِيدِ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۸) و هیچ‌گونه کجی در آنها رخ نخواهد داد؛ بنابراین به عمل سیاسی منتظرانه روی می‌آورند.

۲. کسی که مایل است جزو یاران حضرت مهدی (عج) قرار گیرد، باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و اخلاق نیکو توأم شود.

زمانی که حوزه بینش بر مبنای فرهنگ انتظار سامان یابد و این بینش با حوزه ارزش‌ها که انگیزه در زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت است؛ پیوند یابد؛ در حوزه کنش رفتاری تجلی می‌یابد که منجر به تقویت نظام اسلامی می‌گردد. به عبارتی وقتی جامعه به بینش و ارزش‌های اخلاقی - دینی آراسته گردد؛ خصایصی چون انگیزش اجتماعی برای کنشگران جامعه جهت مطلوب‌سازی نظام سیاسی و انتظام اجتماعی صورت می‌گیرد؛ بنابراین با ابتدای بر فرهنگ انتظار، جریان‌های سیاسی برای تحقق عدالت مشتاق به فعالیت می‌گردند.

در واقع عصر انتظار، دوران بی‌تکلیفی در قبال مسائل سیاسی اسلام نیست؛ بلکه عصر تکاپو و شکوفایی عمل سیاسی در راستای زمینه‌سازی ظهور حضرت است. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«این‌طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام‌الله‌علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلٌ عَلٰی فَرَجِهِ». عَجَلٌ، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۱۸: ۲۶۹).

حضرت امام با چنین راهبردی انگیزه تحرک سیاسی را در مواجهه با ظلم و ستم برانگیخت؛ بنابراین در مؤلفه انتظار، برای منتظران، طلب سیاسی از نظام حاکم بر جامعه، نهادینه گشته و منتظران تمنای برپایی حکومت عدالت‌گستر امام عصر را دارند. در این چارچوب «انتظار... تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است» (بیانات رهبری، ۲۰۰۵/۹/۲۰).

بنابراین چون ارزش‌ها ریشه در بینش‌ها و باورها دارد اعتقاد به ظهور منجی بشریت این انگیزه را در جریان‌های سیاسی تقویت می‌کند تا تلاش بیشتر و التزام به ارائه عملکردی که سبب تقویت نظام اجتماعی گردد؛ رخ دهد.

۴) ایجاد امید اجتماعی

هر جامعه‌ای برای تداوم حیات خویش به مؤلفه مهم امید نیازمند است؛ اما خلأ تئوریک در این زمینه، امید اجتماعی را در عرصه جهانی، دچار چالش ساخته است. برخی همچون اسنایدر برای تحقق امید، دو مؤلفه اندیشه هدفمند و تلاش برای دستیابی به آن را ضروری دانسته‌اند (نصیری و جوکار، ۲۰۰۸: ۱۶۱). غالب این نوع اندیشمندان با رویکرد روان‌شناختی به حل موضوع امید در جامعه روی آورده‌اند. برخی دیگر همچون ترنر معتقدند آحاد جامعه زمانی که از یک فهم و آگاهی نسبت به ارتباط خود با نظام اجتماعی برخوردار شوند؛ امید اجتماعی شکل می‌گیرد؛ بنابراین مهم‌ترین مسئله در امید را «اندیشه امید» بیان کرده‌اند (Turner, 2007: 66). بدین سبب اگر کنشگران عرصه سیاست از چنین اندیشه‌ای بهره‌مند شوند، امید اجتماعی شکل می‌گیرد. کالینز بر این باور است که از جمله مکانیسم‌هایی که کنش‌های خرد واحدهای فعال سیاسی را هدایت می‌کند؛ مقوله امید اجتماعی است. وی از امید اجتماعی، با اصطلاح «انرژی احساسی»^۱ تعبیر می‌کند و انرژی احساسی را تمایل به درگیر شدن در کنش‌های متقابل می‌داند (Collins,

57-27: 1990). دیگر متفکران نیز در این حوزه نظریاتی را مطرح ساخته‌اند؛ اما به خاطر عاری بودن از بُعد معنویت همواره با معضل روبه‌رو گشته‌اند.

در اندیشه اسلامی باورداشت به ظهور مهدی موعود به‌عنوان امهات معارف دینی، اصالتاً حرکت آفرین و امیدبخش محسوب می‌گردد (بیانات رهبری، ۱۹۹۵/۱/۱۷)؛ و برای ایجاد زمینه ظهور حضرت حجت می‌بایست از بند یاس و ناامیدی رهایی پیدا کرد.

«از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه شده است؛ همانا اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور اوست» (بلخاری، ۲۰۰۳: ۱۳۲).

بنابراین جریان‌های سیاسی که در کوران تمام حمله‌های دشمنان برای ناامید ساختن آنها از نظام سیاسی ایران هستند؛ با ابتدای بر گفتمان انتظار همواره برای دستیابی به عدالت اجتماعی و جامعه مطلوب در آینده، امید می‌بندند و در این مسیر تلاش خویش را دوچندان می‌نمایند. «آن چیزی که انسان‌ها را وادار به کار و حرکت می‌کند، نور و نیروی امید است» (بیانات رهبری، ۲۰۰۲/۱۰/۲۲). در این رهیافت انتظار فرج موجب الهام‌بخشی و اشتیاق‌زایی برای جریان‌ها، جهت ایجاد تحول و تکامل و سوق‌دادن جامعه به سوی عدل و ایمان است. در منظومه فکری امام خمینی (ره)، انتظار زمانی مفهوم حقیقی خویش را می‌یابد که با امید به قدرت یافتن اسلام تفسیر شود. ایشان می‌فرمایند: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق یابد و مقدمات ظهور، انشاءالله تهیه شود» (امام خمینی، ۲۰۰۸، ج ۸: ۳۷۴). در این قالب، امید به‌عنوان رحمت جامعه تلقی می‌شود «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي»^۱ (حلوانی، ۱۹۸۹: ۲۱). البته دیگر محتاج پنداراندیشی امید و یا ایجاد انرژی احساسی توأم با توهم نیست تا کنش گروه‌های سیاسی را کنترل و جامعه را بهره‌مند از انتظام اجتماعی کرد. بلکه تفکر انتظار به کنشگران، امیدی صادق جهت تحقق بستر عدالت در جامعه می‌دهد.

۵) ایجاد روحیه صبر و استقامت

بی‌تردید نظام جمهوری اسلامی فضایی را در عرصه بین‌الملل گشود که به تحلیل هژمونی قدرت استعمارگران در منطقه و جهان منجر شد. به‌رغم آن که معادلات سیاسی در درون جامعه را نیز متحول ساخت و فصلی نو از روابط سیاسی را در عرصه جهان بنیان گذاشت. به این جهت دشمنان بسیاری به دنبال تخریب و ممانعت از پیشرفت این حکومت برآمدند. ترویج ناکارآمدی، ناامیدی و... از جمله حرب‌هایی است که به‌کار گرفته می‌شود تا فداکاران این نظام سیاسی از حرکت بایستند. با توجه به این که رسالت این حکومت، زمینه‌سازی شکل‌گیری حیات دولت مهدوی در عالم است؛ جریان‌های اسلام‌گرا که بر پایه دکترین انتظار، به کنش سیاسی می‌پردازند؛ جهت نیل به مقصود، می‌بایست از استقامت و صبر در تحقق آرمان شکل‌گیری حیات طیبیه برخوردار شوند. چرا که مقوله صبر، جان‌مایه فرهنگ انتظار محسوب می‌گردد «أَنْتِظِرِ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ» (راوندی، ۱۹۸۸: ۴۱). بنابراین کارکرد فرهنگ انتظار در جریان‌های سیاسی

۱. پیامبر (ص): امید و آرزو، برای امت من رحمت است.

برای بهره‌مندی از حیات توحیدی، ایجاد روحیه مقاومت در برابر تمام تلاطماتی است که از جانب دشمنان عرضه می‌شود «رَجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ»^۱ (مجلسی، ۱۹۸۴، ج ۵۲: ۳۰۸). البته این صبر به همراه کنشی فعالانه در پیشبرد مقاصد توحیدی است. «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^۲ (عصر: ۳).

تأثیر فرهنگ انتظار بر کنش‌های جریان‌های سیاسی (حوزه سخت‌افزاری)

رفتارشناسی عناصر فعال در جامعه به علت آن که محوریت تحولات سیاسی را شکل می‌دهند در تحقیقات اندیشمندان از جایگاه مهمی برخوردار است. به‌طور نمونه دانشگاه آیووا، دانشگاه اوهایو و دانشگاه میشیگان به‌طور خاص مطالعات خود را بر روی رفتارهای سیاسی قرار دادند. افزون بر آن که محققانی همچون ماکس وبر، هابرماس، مارکس، دانتون، سر جیوانی و دیگر متفکران به ویژگی منحصربه‌فردی در رفتار سیاسی برای شکل‌گیری نظم اجتماعی پرداخته‌اند؛ اما همان‌گونه که بیان شد این فلسفه‌های عاریتی با نظام دانایی جامعه اسلامی همخوانی ندارد. فلسفه انتظار همچون منشوری به ارائه راهبردهایی برای تنظیم سامان سیاسی جامعه در نظام فکری تشیع در عصر غیبت کارساز است و برای واحدهای خرد جامعه سیاسی از برنامه‌های مدون برخوردار است که در این تحقیق تنها به برخی از مؤلفه‌های اثربخش فرهنگ انتظار بر جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا پرداخته می‌شود.

۱) کنترل اجتماعی

نظارت اجتماعی از جمله دغدغه‌هایی است که همواره منجر به شکل‌گیری نظریه‌هایی گشته است. پارسونز معتقد است برای شکل‌گیری کنترل اجتماعی می‌بایست توسل به وجدان افراد و یک سیستم اخلاقی و طرح معیارهای صحیح و ناصواب نمود (جانسون، ۱۹۸۴: ۴۳). برخی نیز معتقدند نظریات در مورد کنترل اجتماعی ناظر بر این مقصود است که ارزش‌ها، تعهدات، هنجارها و اعتقادات، همگی مانع از قانون‌شکنی کانون‌های فعال سیاسی در روابطشان با یکدیگر می‌شود؛ بنابراین معتقد به نوعی «قرارداد اجتماعی» در ایجاد «نظم اجتماعی» می‌شوند (See: Fawn, 2011: 667-697). اما تمام این ایده‌ها، تصنعی و ساخته ذهنیت بشر برای سامان‌دهی به نظم جامعه است و هیچ تضمینی برای آن وجود ندارد و مهم‌ترین دلیل بر ناکارآمدی آنها وضعیت کنونی جوامع دستخوش این نظریات است.

در حالی که در نگرش اسلامی عامل درونی، عنصر بسیار مهمی در کنترل اجتماعی تلقی می‌شود و این مهم با فرهنگ انتظار رخ می‌دهد؛ مشخصاً در صورتی که گروه‌های سیاسی خویشتن را در مرأ و منظر امام زمان ببینند و ایشان را ناظر بر کنش‌های سیاسی خود بدانند^۳ باعث شکل‌گیری نوعی عامل بازدارنده در رفتارها و استراتژی‌های سیاسی آنها در فرایند کسب قدرت می‌شود. در واقع این تذکر، سرچشمه همسانی

۱. مردانی که دل‌هایشان به‌سان پاره‌آهن است. در ایمانشان به خدا و وعده‌ی او ذره‌ای تردید ندارند.

۲. مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به‌درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

۳. در زیارت روز جمعه امام زمان آمده است سلام بر تو ای چشم خدا میان آفریدگان. (مفاتیح‌الجنان، زیارت امام زمان در روز جمعه).

آگاهانه جریان‌ها با هنجارهای اجتماعی - دینی می‌شود (طالبان، ۱۹۹۷: ۳۵). بنابراین جریانی که با ابتدای بر تذکر حضور در محضر امام زمان به فعالیت بپردازد؛ همواره مراقب عملکرد سیاسی و ادبیات گفتاری خویش در عرصه سیاست خواهد بود؛ زیرا آن‌گونه که در توقیع شریف ایشان به شیخ مفید آمده، پیوسته حضرت ولی‌عصر بر اخبار و اعمال بندگان نظاره‌گر است.^۱

بدین سبب باید اذعان داشت کارکرد ناظر بودن حضرت بر اعمال، منجر به کنترل اجتماعی واحدهای سیاسی می‌گردد. در نتیجه ناهنجاری‌های سیاسی کاهش می‌یابد. چرا که تلازم منطقی میان انتظار و رفتار مورد پذیرش منتظر، جاری است.^۲ و گروه‌های سیاسی داعیه‌دار تفکر اسلامی، در صورتی که این تلازم را نفی کنند؛ مقوله انتظار در نظام فکری آنها بی‌معنا جلوه خواهد کرد. در نتیجه اندیشه اسلامی آنها با اوجاج همراه می‌شود؛ بنابراین فرهنگ انتظار و اشتیاق منتظر در وصول به منجی عالم، سبب‌ساز کنترل رفتارهای ناهنجار در جریان‌های سیاسی، جهت ایجاد زمینه‌های ظهور می‌شود؛ چرا که در توقیع شریف حضرت می‌فرمایند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»^۳ (طبرسی، ۱۹۸۴، ج ۲: ۴۹۹).

بنابراین اگر اندیشه انتظار با سرشت انسان عجین شود و جریان‌ها با روشی عقلانی و با روشی نظام‌مند که برخوردار از فاکتورهای هویتی و آرمانی جامعه اسلامی است به مقوله انتظار روی آورند؛ بی‌شک از تمام سیاست‌ها و منافع جریانی و حزبی دست شسته و در راستای فراهم نمودن زمینه‌های ظهور و گسترش عدالت، نقش‌آفرینی می‌کنند و مصداقی می‌شوند برای روایت امام صادق(ع) که فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزَعْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهَدَايَةِ»^۴ (مجلسی، ۱۹۸۴، ج ۵۲: ۱۲۳).

از سوی دیگر حتی جریان‌های سیاسی به ارشاد دیگر جریان‌هایی که ضعف رفتاری و فکری در جامعه منتظر دارند؛ می‌پردازند «ولینصح الرجل اخاه النصيحة لنفسه»^۵ (طبری آملی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۱۱۳). و هر گونه کجی و منکری را ضد ارزش تلقی می‌کنند و در مقابل آن می‌ایستند و از درون به خاطر وجود منکرات

۱. در توقیع شریف امام به شیخ مفید: ما به اخبار شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نیست (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۵/۵۳).

۲. ر.ک: محمدرضا شرفی، مقدمه‌ای بر آثار تربیتی و روان‌شناختی انتظار (سخنرانی‌های گفتمان سوم مهدویت)

۳. اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

۴. امام صادق(ع) فرمود: طوبی برای کسی که در حال غیبت قائم ما به امر او بچسبد و پس از هدایت دلش برنگردد.

۵. هر کس باید برادر (دینی)اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.

همچون شمع می‌سوزند و آب می‌شوند «فَعِنْدَهَا يُدَوِّبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ وَ جَوْفُهُ كَمَا يَدَابُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ، مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَغْيِرَهُ» (قمی، ۱۹۸۵، ج ۲: ۳۰۴).

۲) جامعه‌پذیری گروه‌های سیاسی

ایجاد جامعه‌پذیری از دیگر آثار نظریه انتظار است. جامعه‌پذیری فرایندی است که افراد و واحدهای سیاسی با آموزش اندیشه‌ها، گرایش‌ها و انگاره‌های رفتاری همسان با جامعه، نقش‌های مهمی را در جامعه بر عهده می‌گیرند (روسک و وارن، ۱۹۸۶: ۳۸).

بی‌تردید در جامعه اسلامی، فرهنگ انتظار به‌عنوان راه‌گشای شکل‌گیری زمینه ظهور حضرت مهدی به‌عنوان آرمان و هدف عقیدتی جامعه، محسوب می‌گردد؛ بنابراین تا زمانی که واحدهای فعال سیاسی جامعه، مقوله ظهور را راهبرد خویش قرار نداده‌اند؛ رغبت به کنشی همسو و در راستای اهداف جامعه تحقق نخواهد یافت؛ زیرا نظام اندیشگی جامعه بر اساس فرهنگ انتظار سامان یافته است. از سوی دیگر لازمه تحقق ظهور، رویکردی جمعی به مسئله انتظار و دخالت دادن اعتقاد در رفتارهای سیاسی است که جریان‌های سیاسی در اجتماعی شدن و همگانی کردن این مسئله، می‌توانند نقش معتناهایی ایفا نمایند.

مسئله در فرایند جامعه‌پذیری، به‌رغم آن که با شکل‌گیری هویت اجتماعی، به فراخور زمان انسان‌ها و به‌صورت خاص جریان‌های سیاسی عهده‌دار نقش‌های اجتماعی در نظام اجتماعی می‌شوند در صورتی که آرمان‌ها، اهداف و کنش‌های سیاسی گروه‌ها برمدار مقوله انتظار، انطباق یابد. انتظام اجتماعی، کارآمدی و پویایی جامعه رخ خواهد داد و تشنجات سیاسی سیستم اجتماعی کاهش می‌یابد.

ثمره این جامعه‌پذیری، افزون بر آن که منجر به رشد و تعالی جامعه و در نهایت سعادت می‌گردد؛ منجر به شکل‌گیری عدالت اجتماعی در بستر جامعه می‌شود؛ زیرا وقتی دکترین انتظار در نظام دانایی واحدهای سیاسی جامعه نهادینه گردد. اخلاق‌مداری سیاسی، فداکاری اجتماعی، رفتار فضیلت‌محور، مساوات، گذشت و... در جامعه سیاسی توسط گروه‌ها بسط می‌یابد و این منجر به توزیع قدرت سیاسی در سطح جامعه برای تمام نخبگان سیاسی جامعه می‌شود. در این فرایند زمینه‌های ایجاد عدالت اجتماعی که با آمدن منجی موعود رقم خواهد خورد؛ رخ خواهد داد.

۳) تعامل جریان‌ها با نظام سیاسی

در صورتی که مسئله انتظار به‌عنوان مبنای کنش سیاسی گروه‌ها قرار گیرد؛ رفتارشان با نظام جمهوری اسلامی که داعیه‌دار زمینه‌سازی حکومت جهانی مهدوی است؛ تعامل‌گرایانه و در راستای رفع موانع زمینه‌های ظهور و نشر افکار مهدویت برای نهادینه‌سازی این مؤلفه در جامعه خواهد بود.

با توجه به رسالت حکومت اسلامی، تأمین نیازهای روحی و اخروی همچون نیازهای مادی برای جامعه ضرورت دارد؛ بنابراین افزون بر تأمین آسایش و سعادت دنیوی، احیای ارزش‌های دینی و معنوی به‌عنوان

۱. در چنین شرایط و موقعیتی، همان‌طور که نمک در آب حل می‌شود، دل مؤمن و اندرون او آب می‌شود و حل می‌گردد؛ چون منکرات را در برابر دیدگان خود می‌بیند و قدرت تغییر و اصلاح آنها را ندارد.

کارویژه‌های نظام اسلامی محسوب می‌گردد. آن‌گونه که حضرت امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «وَلَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَنُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَتُقَامَ الْمُعْتَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

تردیدی نیست که مقوله انتظار از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزشی تفکر اسلام شناخته می‌شود که در این حوزه نیازمند سیاست‌گذاری و فرهنگ‌سازی بایسته‌های اندیشه انتظار در بستر جامعه است. جهت اجرا و عملیاتی ساختن این فرایند، نظام سیاسی به سیاست‌گذاری می‌پردازد و جریان‌های سیاسی به‌عنوان کنشگران عرصه جامعه در پیشبرد سیاست‌گذاری‌های نظام جمهوری اسلامی می‌توانند کمک شایانی نمایند؛ بنابراین نوعی تعامل میان جریان‌های سیاسی با دولت اسلامی محقق می‌گردد که پیامد آن شکوفایی فرهنگ انتظار و شوق و رغبت مردم به تفکر انتظار می‌باشد. مسلماً تا زمانی که اعتقاد به انتظار از قالب ذهنی به یک جریان اجتماعی و فرهنگ غالب و عمومی متحول نگردد از جامعه دینی، بوی فرهنگ انتظار استشمام نخواهد گردید. این مهم بدون همبستگی، مشارکت و تعامل دولت، نهادها و جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا به‌هیچ‌وجه میسر نمی‌گردد.

۴) همبستگی اجتماعی

از جمله فرامین و موهبت‌های الهی و همچنین ره‌آورد عقل انسانی، حکم به وحدت جامعه و همبستگی اجتماعی است که جهت بقای حیات جامعه ضروری به نظر می‌رسد. در جهان معاصر کنونی، وحدت و همبستگی اجتماعی، اهمیتی دوجندان یافته است؛ چرا که علی‌رغم کارویژه‌های درهم‌تنیده فرهنگی و سیاسی یک جامعه که تأمین نیازمندی‌ها را وابسته به یکدیگر ساخته، سرنوشت و عاقبت مشترکی را برای یک جامعه در عرصه نظام جهانی رقم‌زده است؛ که برای حفظ هویت ملی و برخورداری از پویایی در روابط بین‌الملل، این مسئله را ضروری ساخته است.

این سرنوشت و پیوندهای مشترک در صورتی که بر اساس ایدئولوژی خاصی در مجموعه‌ای از آرمان‌ها و افکار شکل گیرد و در رفتاری برآمده از آنها تبلور یابد؛ آنچه قرآن در قالب امت واحده معرفی می‌کند، (شریعتی، ۱۳۵۷: ۷۴) (در قالب یک ملت) تحقق می‌یابد «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»^۲ (مؤمنون: ۵۲).

«گروهی که بین افرادش روابط و پیوندهایی بر اساس مجموعه‌ای از افکار و آرمان‌ها و مبانی وجود دارد و این پیوندهای مشترک آنها را در برخی از نیروها و استعدادها به هم مربوط می‌سازد، این جامعه‌ای است که قرآن از آن تعبیر به امت کرده است» (صدر، بی‌تا: ۲۲).

۱. بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد.

۲. و این مردم همه یک دین و متفق الکلمه یک امت شمایند و من یگانه خدای شما هستم، پس از من بترسید.

بنابراین برای ایجاد یک ملت واحد، حفظ وحدت و انسجام سیاسی، ایجاد همبستگی و همگرایی،^۱ پرهیز از اختلاف و تفرقه^۲ و دارا بودن هدف و مسیری واحد،^۳ ضروری است که تنها با اعتصام به «حبل الله»^۴ امکان پذیر خواهد بود. البته این همبستگی اجتماعی به معنای کنار نهادن سلیقه‌ها نیست؛ بلکه حفظ باورها و تأکید بر نگرش‌های مشترک اعتقادی، برای شکل‌گیری هویت سیاسی - اجتماعی برمدار یک ایدئولوژی معیار و ضرورت دانسته می‌شود (ر.ک: علی‌اکبری، ۲۰۱۳: ۱۸۳).

فرهنگ انتظار می‌تواند در جهت ایجاد وحدت و رشد و ارتقای جامعه، گروه‌های مختلف را متوجه خودآگاهی عقیدتی، سیاسی و اجتماعی خویش سازد؛ و درصدد ایجاد نظم سیاسی در تحولات بحران‌ساز برآید؛ زیرا با تبیین اهداف توحیدی همچون بسط عدالت، قانون‌گرایی، نظم اجتماعی و... و کاربست آنها توسط جریان‌های سیاسی، مسئولیت‌های اجتماعی و گروهی در پیوندی گسست‌ناپذیر با آرمان‌های امام منتظر، متحول گشته و همه جریان‌ها در راستای تحقق ظهور حضرت حجت گام بر دارند. در این فرایند تضادهای سیاسی خود ساخته مضمحل خواهند شد^۵ که پیامدش شکل‌گیری همبستگی اجتماعی میان جریان‌های سیاسی اسلامی^۶ و گامی در راستای ظهور منجی بشریت و ایجاد زمینه‌سازی تحقق دولت کریمه است.^۷ این همبستگی در جامعه مصداقی می‌گردد برای فرمایش حضرت که بیان داشتند: رَحْمَةٌ وَ الْفِرْقَةُ عَذَابٌ^۸ (محمدی ری‌شهری، ۲۰۰۰، ج ۲: ۷۵۸).

بنابراین همبستگی جریان‌های سیاسی در جامعه، قدرتی سیاسی را ایجاد می‌کند که چون این قدرت برگرفته از فرهنگ انتظار می‌باشد؛ زمینه رشد و تعالی جامعه در ابعاد مادی و معنوی را فراهم می‌سازد. چراکه زمینه‌سازی برای دولت عدل، نیازمند مؤمنانی کوشا، عالم، متحد، یکدل و خودساخته است. «الْسَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الْأَذَى وَعَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَيَلْمَ بِهِ الشَّعْتَ»^۹ (مفاتیح‌الجنان، زیارت امام زمان).

۱. وَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (انفال: ۶۳).

۲. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران: ۱۰۵).

۳. وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (انعام: ۱۵۳).

۴. ر.ک: آل عمران (۳): ۱۰۳: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ».

۵. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: ۱۰۸).

۶. لَذَهَبَتِ الشَّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ (صدوق، ۱۴۰۳: ۵۴۱/۲).

۷. اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ (شیخ طوسی، ۱۴۱۳: ۱۰۶/۳).

۸. جماعت «وحدت»، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.

۹. سلام بر امام مهدی، آن کسی که خدای عز و جل به امت‌ها وعده داده که عقاید مختلف مردم را به وجود او جمع کند و خلق را از تفرقه برهاند.

۵) نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی

همان‌گونه که بیان شد دکترین انتظار نقش معتنا بهی در انسجام فکری و همبستگی اجتماعی دارد. در صورتی که فرهنگ انتظار به‌عنوان رکنی از اندیشه‌های جریان‌های سیاسی به‌عنوان طلایه‌داران کنش‌های سیاسی جامعه قرار گیرد و در جامعه تمامی کاربست‌های سیاسی و فرهنگی مبتنی بر فرهنگ انتظار صورت گیرد؛ ارزش‌های دکترین انتظار از مقوله نظری خارج گشته و در جامعه عینیت می‌یابند. در نتیجه فرهنگ اجتماعی همسوی با مقوله انتظار نضج می‌گیرد. در این فرایند جریان‌ها از جنجال‌های سیاسی رهایی یافته و خود را متعهد می‌دانند هنجارهای مهدویت را که بی‌تردید منبعث از ارزش‌های اسلامی هستند در جامعه نهادینه سازند؛ بنابراین انعکاس فرهنگ انتظار در جامعه، تجلی توحید در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... محسوب می‌گردد.

۶) مشارکت سیاسی مطلوب:

با توجه به این‌که از جمله اهداف دکترین انتظار، توسعه سیاسی عدالت‌محور است و غالب روایات در مورد ظهور، بر تحقق عدالت تأکید داشته‌اند؛^۱ مشارکت سیاسی می‌تواند در بسترسازی و ایجاد زمینه‌های حکومتی عادلانه کمک شایانی نماید.

از جمله پارامترهای پویایی نظام‌های سیاسی، برخورداری از مشارکت سیاسی مطلوب است؛ بدین سبب ثبات و کارایی نظام سیاسی، مشروط به وجود بستر فعالیت واحدهای سیاسی در جامعه است. کاربست فرهنگ انتظار در مشارکت سیاسی به همراه خطمشی‌های نظام جمهوری اسلامی، بستر تحقق کنشی مطلوب را برای تمامی جریان‌های سیاسی فراهم می‌نماید. مسلماً مشارکت سیاسی در صورتی که بر پایه فرهنگ انتظار سامان یابد؛ باعث شکل‌گیری الفت اجتماعی و وفاق سیاسی در جامعه می‌شود و منجر به رشد سیاسی آحاد جامعه می‌گردد. در مشارکت سیاسی مطلوب، دو مؤلفه انگیزه و امید نقش بسزایی را ایفا می‌کنند؛ در نظام جمهوری اسلامی زمانی که جریان‌های سیاسی امید به تحقق عدالت اجتماعی را دارا باشند و بدانند نظام سیاسی به دنبال ایجاد عدالت اسلامی است خودبه‌خود جهت یاری به این دولت، انگیزه نیز می‌یابند؛ بنابراین مشارکت سیاسی مطلوب رخ خواهد داد.

به‌عبارتی دیگر، بدیهی است که در مشارکت سیاسی به‌عنوان یک رفتار اجتماعی در سطح کلان، دو عنصر مشارکت‌کننده و موضوع مشارکت دخیل هستند. عامل پیونددهنده این دو مؤلفه را اندیشه‌ها (بینش‌ها) و انگیزه‌ها (ارزش‌ها) معین می‌سازند. در نظام فرهنگ انتظار، احساس تکلیف و عمل به تکلیف شرعی که برخاسته از نظام بینشی اسلام است؛ به همراه شوق تحصیل عدالت در حکومتی که داعیه‌دار منش اسلامی است؛ معیار اساسی و برانگیزاننده حضور جریان‌های اسلامی در مشارکت سیاسی به‌شمار می‌روند؛ بنابراین

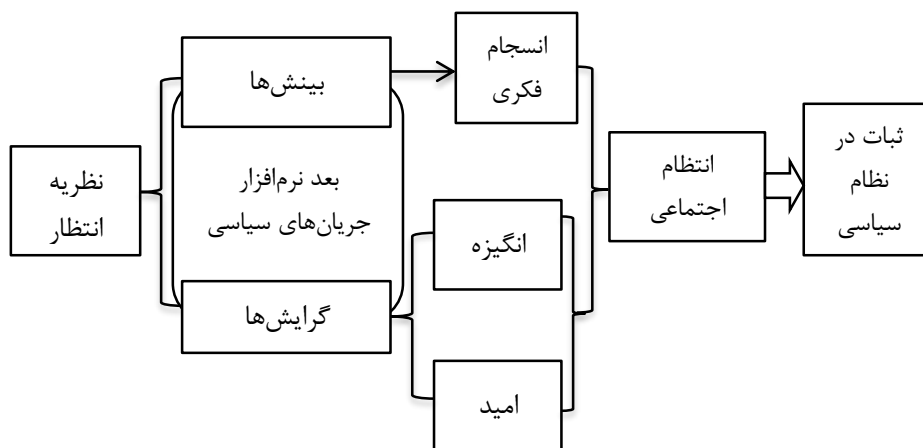
۱. لَنْ تَنْقُضِيَ الْآيَامَ وَاللَّيَالِيَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمَهُ اسْمِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا (اربعی، (۱۳۸۱ ق: ۴۴۶/۲)؛ ر.ک: ان علی بن ابی طالب امام امتی و خلیفتی علیها من بعدی و من ولده القائم، (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۲۸).

مشارکت سیاسی زمانی وجه مطلوبیت را درمی‌یابد که کنش سیاسی احزاب در جامعه به‌مثابه یک تکلیف دینی و برخاسته از مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در راستای هنجارهای فرهنگ انتظار صورت گیرد.

۷) ثبات سیاسی در نظام اجتماعی

در تبیین معنای بی‌ثبات سیاسی برداشت‌های مختلفی در حوزه علوم اجتماعی ارائه شده است؛ از تخریب سیاسی فعالیت دولتمردان گرفته تا ناآرامی‌های سیاسی، خشونت‌ها، رقابت‌های سیاسی فزاینده، مشارکت‌های سیاسی اعتراض‌آمیز و... همه به‌نوعی ذیل بی‌ثباتی سیاسی درج شده است. به این خاطر زمانی که این متغیرها در جامعه رخ ندهد؛ جامعه برخوردار از ثبات سیاسی است (خواجه سروی، ۲۰۰۳: ۸۰-۸۲). به عبارتی زمانی که نظام سیاسی بتواند انتظارات گروه‌های سیاسی را پاسخ گوید و نظام سیاسی همسان با معادلات اندیشگی جامعه رفتار نماید این نظام از ثبات سیاسی برخوردار می‌باشد (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۲۰۰۱: ۶۷).

بر این اساس عدم انسجام فکری جریان‌های سیاسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های از بین برنده ثبات منظور می‌گردد. فرهنگ انتظار از طریق استحکام باورها، شبکه‌ای از ارزش‌هایی را در میان جریان‌های سیاسی معتقد به اندیشه مهدویت ایجاد می‌سازد که با تکیه بر این ارزش‌ها و باورها انتظام رفتاری را در جامعه سیاسی باعث می‌گردد که نتیجه آن ثبات سیاسی می‌شود.



نمودار ۱: تأثیر نظریه انتظار بر جریان‌های سیاسی در ایجاد ثبات نظام سیاسی

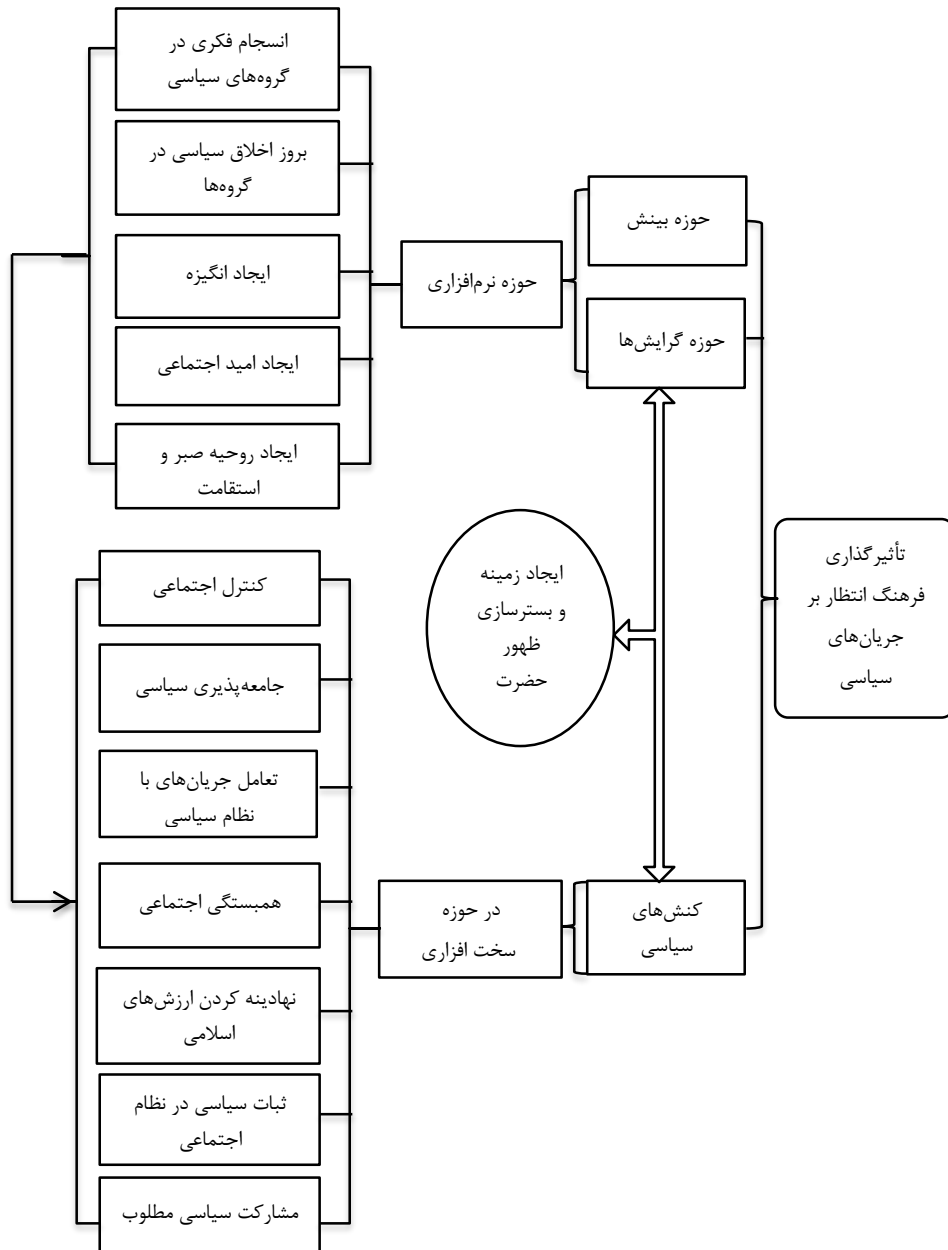
با توجه به این که در عمل امکان انعکاس باورها و دیدگاه‌های حاکم بر نظام سیاسی به تک‌تک آحاد جامعه ممکن نیست. جریان‌های سیاسی در صورت باورداشت به منظومه فکری مهدویت، می‌توانند مانند ابزاری جهت بازتاب، کانالیزه کردن و عملیاتی ساختن این اندیشه در بستر جامعه عمل نمایند و مانعی از

اعوجاج و تشتت فکری و ساخت نظام الهی - مردمی، در بستر جامعه باشند؛ بنابراین مهم‌ترین کارویژه جریان‌های سیاسی همسو با فرهنگ انتظار، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی، تحقق ارزش‌های اسلامی در جامعه و... است. در واقع زمانی یک نظام سیاسی برخوردار از ثبات سیاسی می‌شود که حوزه بینش‌های نظام با نظام ارزش‌های جامعه مطابق باشد و واحدهای سیاسی جامعه در راستای بینش‌ها و ارزش‌ها به کنش سیاسی بپردازند در این فرایند افزون بر حفظ ثبات سیاسی حکومت، جامعه نیز از رشد و تعالی عقیدتی و سیاسی بهره‌مند خواهد شد.

نتیجه‌گیری

فرهنگ انتظار در نظام دانایی تشیع همچون منشوری است که ظرفیت سامان‌دهی به مکانیسم‌های نظام سیاسی را برخوردار است. بی‌تردید سامان یک نظام در گرو واحدهای سیاسی آن قرار دارد زیرا جریان‌های سیاسی در حوزه هنجار سازی‌های اجتماعی و نظم‌بخشی به جامعه و از سوی دیگر ناهنجاری‌ها و جنجال‌های سیاسی در اجتماع توان مدیریت دارند بدین سبب به‌عنوان مسئله این تحقیق قرار گرفتند و کاربست مقوله انتظار بر کارکرد جریان‌های سیاسی مورد بررسی قرار گرفت.

آنچه می‌توان ادعان داشت وسعت اندیشه انتظار در تأثیرگذاری بر معادلات فکری (بینش‌ها)، خواست‌ها (ارزش‌ها)، و رفتارهای (کنش‌ها) جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا می‌باشد. تفکر انتظار با ارتقای سطح فکری جریان‌ها و بسترسازی برای رشد عقلانیت گروه‌های سیاسی، زمینه تحول فکری را برای دیگر گروه‌های سیاسی مهیا می‌سازد و با تغییر گرایش‌ها و ایجاد ارزش‌هایی چون امید، صبر، استقامت و انگیزه، نظام اخلاقی را در نوع کنش‌های سیاسی جریان‌ها دگرگون می‌سازد و نوعی جدید از ارتباطات سیاسی را میان جریان‌های سیاسی با نظام حاکم و همچنین بین خود جریان‌های سیاسی برقرار می‌کند که نشأت گرفته از تفکر اسلامی است. در این راستا کنترل رفتار نابهنجار در اجتماع صورت گرفته به‌گونه‌ای که جامعه‌پذیری سیاسی و نظم حاکم بر جامعه را پذیرفته‌اند و در تعامل با یکدیگر همبستگی اجتماعی را رقم زده‌اند که پیامد آن نهادینه‌شدن ارزش‌های اسلامی در جامعه خواهد بود؛ زیرا جریان‌های سیاسی به‌عنوان حلقه واسط میان نظام و مردم از مکانیسم‌های مناسبی برای نهادینه‌سازی هنجارهای اخلاقی و ارزش‌های اسلامی در جامعه هستند؛ بنابراین زمانی که این نهادینگی صورت گیرد شاهد مشارکت سیاسی مطلوب در نظام سیاسی و ثبات سیاسی در حکومت اسلامی برای تداوم حیات خواهیم بود. بی‌تردید نظامی که برخوردار از چنین مؤلفه‌هایی باشد و فرهنگ انتظار در آن جاری و ساری گردد؛ بهتر می‌تواند زمینه‌های ظهور حضرت حجت را برای تحقق عدالت الهی مهیا سازد.



نمودار ۲: تأثیر فرهنگ نظریه انتظار در ایجاد جامعه مطلوب اسلامی و بستر تحقق ظهور حضرت

References

- *The Holy Quran.*
- *Mafatih al- Jannan.*
- *Rhetoric approach.*
- Ahmadi Hajiklaei, Hamid (2010), *Left Current Studies in Iran*, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Ali Akbari, Raziieh (2013), *Imam Sadegh Lifestyle in the Culture of Unity, Proceedings of the Conference on the Life Style of Imam Jafar Sadegh*, Isfahan, Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (In Persian)
- Amid, Hassan (2000), *Farhang Amid*, Tehran Amirkabir, vol 1. (In Persian)
- Arbali, Ali Ibn Isa (1962), *Discovering sorrow in the knowledge of the Imams*, Bani Hashemi, Tabriz. (In Persian)
- Balkhari, Hassan (2003), *Invasion or Cultural Difference*, Tehran, Hassan Afra. (In Persian)
- Ball, Samuel. Dditor (1977), *Motivation in Education*, New York: Acadmic press, vol 2.
- Collins, Randall (1990), *Stratification, Emotional Energy*, and the Transient Emotions, Pp: 27-57. In *Research Agenda in the Sociology of Emotions*, (ed).
- Darabi, Ali (2011), *Political Flow in Iran*, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali Akbar (2006), *Dehkhoda Dictionary*, Tehran, Management and Planning Organization. (In Persian)
- Dovarjeh, Morris (1978), *Political Parties, Reza Olumi*, Tehran, Amirkabir. (In Persian)
- Giddenz, Anthony & Turner, Jonathan (1993), *Social Theory*, 122-127.
- Halwani, Hussein Ibn Muhammad Ibn Hassan Ibn Nasr (1989), *Nazha Al-Nazir and Tanbih Al-Khater*, Qom, School of Imam Al-Mahdi Ajal Allah Almighty Farja Al-Sharif.
- Haywood, Andrew (2010), *Politics*, translated by Abdolrahman Alam, Tehran, Ney Publishing. (In Persian)
- Ibn Babawiyyah Qomi (Sheikh Saduq), Muhammad ibn Ali ibn Husayn (1984), *Al-Khasal*, Qom, Society of Teachers. (In Persian)
- Imam Khomeini, Ruhollah (1998), *Sharh Chehel Hadith*, Tehran, Imam Khomeini Publishing House. (In Persian)
- Imam Khomeini, Ruhollah (2008), *Sahifa Imam; Collection of Imam Khomeini's Statements and Announcements*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House, Volume 4, Volume 8, Volume 18, volume 21. (In Persian)
- Johnson, Chalmers (1984), *Revolutionary Transformation*, translated by Hamid Eliassy, Tehran, Amirkabir.
- Kazemi, Seyyed Ali Asghar (1997), *Ethics and Politics; Political Thought in the Field of Action*, Tehran, Qoms. (In Persian)
- Khajeh Sarvi, Gholamreza (2003), *Politiical Competition and Political Stability in the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Islamic Revolutionary Documentation Center Publications. (In Persian)

- Khajeh Sarvi, Gholamreza; Sharei, Mohammad Mohsen (2014), "The flow of political forces (between the years 57-62)", *Strategy Quarterly*, Vol. 23, No. 73, Winter. (In Persian)
- Khorramshad, Mohammad Baqir; Seyed Ebrahim Supervisor of Sadat (2013), "Political Current Studies as a Method", *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, Volume 5, Issue 2, Spring. (In Persian)
- Khosropanah, Abdolhossein (2009), *Intellectual Flow of Contemporary Iran*, Qom, Cultural Institute of Modern Islamic Wisdom. (In Persian)
- Khosropanah, Abdul Hussein (2005), "Puzzle of currents; An Analysis of Intellectual and Cultural Currents", *Zamaneh Monthly*, Volume 4, Issue 37, October. (In Persian)
- Klini, Mohammad Ibn Ya'qub (1988), *Al-Kafi, research: Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhundi*, Tehran, Islamic Bookstore. Vol. 24. (In Persian)
- Leadership speeches in meetings with different segments of the people on the anniversary of the birth of Imam Zaman, 1995/1/17. (In Persian)
- Leadership speeches in the meeting of different segments of the people on the occasion of Eid al-Adha, 2002/7/30. (In Persian)
- Leadership statements in a meeting with members of the Cultural Foundation of Hazrat Mahdi (pbuh) Farjah Al-Sharif and Qom Mahdism Specialized Center on 2011/4/18. (In Persian)
- Leadership Statements in a Meeting with Professors and Graduates of Mahdism Specialized Center, 2011/2/18. (In Persian)
- Leadership statements in meetings with different segments of the people on the occasion of mid-Shaban, 2055/6/29. (In Persian)
- Majlisi, Mohammad Baqir, (1984), *Baharalanvar Al-Jame'a for the news of the pure Imams*, a group of scholars, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, vol. 53, vol. 52, vol. 88. (In Persian)
- Mohammadi Riheshahri, Mohammad, (2000), *Mizan al-Hikma, translated by Hamid Reza Sheikhi*, Qom, Dar al-Hadith, vol 2. (In Persian)
- Mostafavi, Sheikh Hassan (2009), *Research in the words of the Qur'an*, Tehran, publication of the works of Allama Mostafavi. (In Persian)
- Motahari, Morteza (2020), *Mahdi Uprising and Revolution, from the perspective of philosophy of history*, Qom, Sadra. (In Persian)
- Mousavi Esfahani, Seyed Mohammad Taqi (2001), *Makial Al-Makarem, translated by Seyed Mehdi Haeri Qazvini*, Qom, Barg Shaghayegh Publications. (In Persian)
- Nasiri, Habibaullah; Jokar, Bahram (2008), "The meaning of life and life satisfaction and mental health in women", *Women's Research*, Volume 6, Issue 2. (In Persian)
- Ngo, Fawn & etal (2011), "Role_Taking and Recidivism: A Test of Differential Social Control Theory", *JQ: Justice Quarterly*, No 28, 667-697.
- Nomani, Mohammad Ibn Ibrahim (1397 AH), *Al-Ghaybah*, Tehran, Al-Sadiq School.
- Nomani, Mohammad Ibn Ibrahim (2011), *Nomani's absence*, text and translation: Ghaffari, Mohammad Javad, Tehran, Islamic Library, Ch II. (In Persian)
- Qomi, Ali ibn Ibrahim, (1981), *Tafsir al-Qomi*, Qom, Dar al-Kitab, vol 2. (In Persian)
- Ravandi, Saeed Ibn Hiba Allah Qutbuddin, (1988), *Dawaat; Al-Hazin Behavior*, Qom, Imam Al-Mahdi Publications. (In Persian)

-
- Research Institute for Strategic Studies (2001), *Proceedings of the Conference on Media and Socio-Political Stability of the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Research Institute for Strategic Studies. (In Persian)
 - Rush, Michael (1998), *Society and Politics*, Manouchehr Sabouri, Samat Publications. (In Persian)
 - Rusk, Joseph; Roland, Warren (1990), *Introduction to Sociology*, translated by Behrouz Nabavi and Ahmad Karimi, Tehran, Library Publications. (In Persian)
 - Sadr, Sayyid Muhammad Baqir (nd), *Quranic School*, Qom, Dar Al-Ta'rif for Press. (In Persian)
 - Saduq, Muhammad ibn Ali (1978), *Kamal al-Din and all the blessings*, Qom, Dar al-Kitab al-Islamiyya. (In Persian)
 - Shakoori, Abolfazl (1991), “Men's section; Famous figures of cultural-political currents in the contemporary history of Iran (Issa Sedigh)”, *Yad Magazine*, Vol. 24, autumn. (In Persian)
 - Shamir, R. J. House & Arthur, M. A. (1993), *The Motivation Effects of Charismatic Leadership: A Self, Based Theory*, 377 – 509, in: Don Hellriegel, et al, *Op. Cit*, 4: 398.
 - Shariati, Ali (1978), *Ummah and Imamate*, Tehran, pen. (In Persian)
 - Tabari Amoli, Emad al-Din Abi Ja'far Muhammad ibn Abi al-Qasim, (1964), *Bashara al-Mustafa, Shiite al-Murtada*, Najaf, Al-Muktabah al-Haydariyyah, vol 2. (In Persian)
 - Tabarsi, Ahmad Ibn Ali (1984), *Al-Ihtijaj Ali Ahl al-Lajaj*, research by Mohammad Baqir Khorsan Mortazavi, Mashhad Bina, vol 2. (In Persian)
 - Taheri, Habibaullah (2001), *Sima Aftab*, Qom, Pilgrim Expectations. (In Persian)
 - Taliban, Mohammad Reza (1997), *A Comparative Study on the Commandment of the Good and the Prohibition of Evil and Social Supervision*, Tehran, Deputy of Education of the Social Research Office. (In Persian)
 - Tanhaei, Abolhassan (2008), *Sociological Theories*, Mashhad Marandiz. (In Persian)
 - Turner, Jonathan (2007), *Human Emotions: A Sociological Theory*, London, UK: Routledge, 66.
 - Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan (1993), *Tahdhib al-Ahkam*, Qom, Dar al-Ta'rif for publications, vol 3. (In Persian)